

مقدمه

والدین به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پی اخلاقی بار آوردن کودکان خود هستند. آن‌ها با تمسک به ابزارها و دستاویزهای گوناگون، پیوسته می‌خواهند تغییراتی را که گمان می‌کنند دوست دارند در فرزندان نشان ایجاد کنند. اما این تغییرات بزرگسالانی با ابعاد کوچک‌تر نیستند. تفکر کودکان نسبت به بزرگسالان بسیار متفاوت است. آن‌ها توانایی استدلالی قدرتمندی ندارند و از این رو، نمی‌توانند دنیا را آن‌چنان که بزرگسالان درک می‌کنند بفهمند. بنابراین، این بزرگسالان هستند که باید خودشان را به دنیای کودکان نزدیک کنند.

کودک برای درک دنیای اطراف خودش، پدیده‌ها را به هم تعمیم می‌دهد و تشبیه می‌کند. یعنی برای تفسیر پدیده‌های جدید، از منطقی که برای تفسیر وقایع پیشین استفاده کرده بود استفاده می‌کند. به عنوان مثال، با این که می‌داند خورشید نمی‌تواند مثل انسان‌ها بخوابد و بیدار شود، اما طلوع خورشید را به بیداری خورشید در صبح تعبیر می‌کند.

این ویژگی کودکان، می‌تواند برای والدینی که نمی‌توانند خودشان را جای فرزندشان بگذارند در دسرفرین باشد. در حقیقت، بسیاری از مشکلات ارتباطی والدین و فرزندان و قطع ارتباطات صمیمانه‌ی میان آن‌ها، به این خاطر اتفاق می‌افتد که درک کودک برای والدینش سخت به نظر می‌رسد. با این اوصاف، والدینی که به تربیت سالم و اخلاقی کودکان فکر می‌کنند، باید منطق‌ها

و دیدگاه‌های جدید را با توجه به شرایط و با در نظر گرفتن سطح توانایی و درک کودک، به او آموزش دهند.

محرم یک کلاس درس بزرگ است

با نزدیک شدن ایام مذهبی خاص، مثل ماه‌های رمضان و محرم، بسیاری از خانواده‌های معتقد و بعضاً پایبند به مذهب، تصمیم می‌گیرند که تربیت فرزندشان را از مجرای امور و مراسمات دینی پیگیری کنند؛ به این امید که بتوانند از طریق انتقال مفاهیم ارزشی موجود در این ایام و رویدادهای خاص، فرزندشان را سالم و اخلاق‌مدار بار بیاورند. به عنوان مثال، بسیاری از این والدین اعتقاد دارند که واقعه بزرگی مثل کربلا آن قدر حرف برای گفتن دارد که شناساندن آن به کودکان می‌تواند یک کلاس درس بزرگ برای آن‌ها محسوب شود. از این رو، با فرا رسیدن ایام محرم، این دغدغه را پیدا می‌کنند که کودکانشان را در مجالس عزاداری شرکت بدهند؛ طعم چای روضه را به آن‌ها بچشانند و به طور خلاصه، آن‌ها را از این مجالس و مراسم بهره‌مند کنند؛ اما واقعیت این است که بسیاری از خانواده‌ها عملاً نمی‌توانند در این امر موفق شوند. بسیاری از کودکان، اثر تربیتی مناسب را از این گونه مجالس نمی‌گیرند و برعکس، حتی بعضاً با موقعیت‌هایی نیز مواجه می‌شوند که آن‌ها را به طور کلی از مجالس عزاداری دل‌زده و فراری می‌کند.

در ادامه این یادداشت، سعی بر این است که با اشاره به ظرفیت‌های روانی کودکان، فضای عزاداری

متناسب با شرایط و اقتضات آن‌ها بهتر ترسیم شود. **گرچه پشت درهای بسته**

کودکان، والدین‌شان را سوپر قهرمانان زندگی‌شان می‌دانند. آن‌ها گریه را نوعی ضعف تلقی می‌کنند و به این خاطر، با دیدن گریه پدر و مادرشان، آن‌ها را ضعیف قلمداد می‌کنند. بدیهی است که ضعیف به نظر رسیدن کسی که زمانی سوپر قهرمان بوده است می‌تواند به شدت در کودک احساس ناامنی و اضطراب را به وجود بیاورد.

به این خاطر، بسیاری از والدین، برای حفظ امنیت و سلامت روانی فرزندانشان، تا جای ممکن آن‌ها را از اتفاقات غم‌انگیز و حزن‌آور دور نگه می‌دارند و عموماً هم گریه و اندوه خودشان را از کودکانشان مخفی می‌کنند. حالا پرسش این جاست که آیا عقلاً گریه

والدین باید پشت درهای بسته باشد؟

واقعیت این است که کودکانی که هیچ‌وقت گریه پدر و مادرشان را ندیده‌اند، از نظر هوش عاطفی دچار کمبود هستند. والدین باید به فرزندانشان نشان بدهند که «گریه نشانه ناراحتی است»، دلیل دارد،

یک پروسه کوتاه مدت است و تمام می‌شود.

اگر کودکان با گریه پدر و مادر ناآشنا باشند، مجلس عزای امام حسین (ع) می‌تواند موجب دل‌زدگی آن‌ها از محرم و امام حسین (ع) شود؛ اما آشنایی با فضای گریه والدین، می‌تواند آن‌ها را نسبت به کشف علت گریه ترغیب کند. پیوند واقعی کودک با امام حسین (ع) نیز، عملاً در فضای عاطفی است که اتفاق می‌افتد. اما از آن جایی که کودک نمی‌تواند

تعظیم شعائر و تربیت اخلاقی در عزاداری کودکان

مصطفی سلیمانی

در حد فهم یک بزرگسال به کمالات شخصیتی مثل امام حسین (ع) واقف شود، تفاوتی میان گریه بر امام حسین (ع) با گریه‌های دیگر نمی‌بیند. علت اجتناب از شیون و بی‌تابی در حضور کودک نیز همین است.

❁ تاریکی روزه‌ها پر از هیولاهای خیالی است

کودکان در مرحله‌ی رشد تصورات تخیلی هستند. آن‌ها به دلیل ذهن فعال و خلاق که دارند، از هر چیزی در تاریکی برای خودشان یک هیولا خلق می‌کنند و سپس از آن هیولا می‌ترسند. ترس از تاریکی غالباً به این دلیل اتفاق می‌افتد که کودک در آن موقعیت، احساس ناامنی و اضطراب می‌کند. چون گمان می‌کند که قرار است توسط آن موجود خیالی آسیب ببیند.

تاریکی مجالس عزاداری اُبی عبدالله، خوشایند کودکان نیست و تصویر نامناسبی از این مجالس را در ذهن آن‌ها به وجود می‌آورد. به این خاطر، والدین نباید کودکانشان را به مدت طولانی در تاریکی نگه دارند. حفظ تماس فیزیکی، مثل در آغوش گرفتن کودکان یا گرفتن دست آن‌ها در زمان خاموش بودن لامپ‌ها نیز، می‌تواند در بازگرداندن آرامش به آن‌ها کمک کند.

❁ سر و ته حوصله کودکان چند دقیقه بیشتر نیست

کودکان عموماً پر جنب و جوش هستند، توان جسمی و روحی کمی دارند و در نتیجه، حوصله‌شان محدود است. به سختی می‌توان یک کودک را برای زمانی بیشتر از چند دقیقه در یک جا ثابت نگه داشت. بی‌توجهی به میزان حوصله و صبر کودک، او را عصبی، خسته و دل‌زده می‌کند. بنابراین والدین باید برای توجه به حال و اوضاع کودک، زمان حضور در مجالس عزاداری را تا جای ممکن مختصر و کوتاه کنند.

❁ کودکان نمی‌توانند مبادی آداب باشند

شیوه برخورد والدین، قبل از عزاداری، حین عزاداری و بعد از آن، می‌تواند تعیین‌کننده نگرش فرزندان به این موضوع باشد. برخورد‌های خشن، تحقیرآمیز و تحکم‌آمیز والدین با فرزندان در این مجالس، آن‌ها را از این جلسات دل‌زده و بیزار می‌کند.

کودکان نمی‌توانند مانند بزرگسالان مبادی آداب باشند. ما نمی‌توانیم از کودکان انتظار داشته باشیم که مثل بزرگ‌ترها شرایط عزاداری را درک کنند، یک گوشه بنشینند و سوگواری کنند. کودک باید کودکی کند. شیطنت و بازیگوشی، ذاتی کودکان است و به این خاطر، والدین باید همیشه اسباب بازی و سرگرمی را برای آن‌ها فراهم کنند. محرومیت کودک از چیزهایی که دوست دارد و نسبت به آن‌ها احساس نیاز می‌کند، می‌تواند خاطره بدی از مراسم‌های عزاداری در ذهن او ایجاد کند. والدین می‌توانند با همراه داشتن مدارنگی، قلم و کاغذ و خوراکی‌های مورد علاقه کودک در مجالس عزاداری امام حسین، برای او خاطرات خوشایندی خلق کنند.

❁ صدای روزه موقع بازی دل‌نشین‌تر است

این روزها در بسیاری از مراسم‌های عزاداری، مداحان و عزاداران، مدام به کودکان برای رعایت سکوت، یک‌جا نشستن و آرام بودن تذکر می‌دهند. از آن‌ها می‌خواهند که نظم مجلس را به هم نزنند و

در حقیقت، آن‌ها را به انجام رفتاری خلاف میلشان مجبور می‌کنند.

مجلس عزای هوشمندانه مجلسی است که در حاشیه آن، فضایی نیز برای تجمع کودکان هم‌سن و سال فراهم شده باشد. کودکان باید بتوانند در عین حال که صدای سخنران و آوای روزه را می‌شنوند، به بازی آزادانه هم مشغول باشند.

❁ روزه‌های وحشتناک، کودکان را از مجلس امام حسین فراری می‌دهند

خیال‌پردازی و تصویرسازی، بخشی از فرایند رشدی کودکان است. کودکان با قوه تخیلشان می‌توانند مهارت‌های بسیاری را یاد بگیرند؛ تقویت تفکر غیر انتزاعی و افزایش مهارت‌های زبانی و ارتباطی، از جمله فواید دستاوردهای تصویرهای تخیلی است. با این همه، قوه تخیل می‌تواند در برخی موارد ضررهایی را نیز برای کودک به دنبال داشته باشد.

در برخی از مجالس و هیئات عزاداری، روزه‌خوانان بدون این که سن و حال مخاطبین خودشان را در نظر داشته باشند، به توصیف صحنه‌های مثله شدن امام حسین (ع) و یارانش می‌پردازند. تشریح جزء به جزء بریده شدن سر و دست در این مجالس، می‌تواند حال روحی کودکانی را که با دقت به توصیف این وقایع دردناک گوش می‌دهند به هم بریزد و باعث ترس آن‌ها شود. کودکان با قوه تخیلی که دارند، به این توصیفات شاخ‌وبرگ می‌دهند و تصاویر آزاردهنده‌ای برای خودشان خلق می‌کنند.

اما از آن جایی که برخی از روزه‌خوانان، در مجالس آزاد و عمومی، به توضیح مکشوف این وقایع می‌پردازند و ماجرای کشته شدن امام حسین (ع) و فرزندان‌شان را مو به مو با جزئیات تشریح می‌کنند، این وظیفه والدین است که پیش از شرکت در مجلس، از کیفیت آن اطلاع حاصل کنند.

اگر قرار بر این است که کودک با شرکت در مجلس عزای امام حسین، تأثیر مثبت بگیرد، باید از هر مجلسی که در آن صحنه‌های باز و خشن روایت می‌شوند دوری کند.

❁ بچه‌ها مقدم‌ترند

ترجیح والدین در انتخاب مجالس و هیئت‌ها، باید انتخاب کودک باشد. گاهی کودک دوست دارد در مجالسی شرکت کند که همسالانش در آن شرکت می‌کنند. در چنین مواردی، بهتر است که والدین نظر کودک را به نظر خودشان ترجیح دهند.

❁ اثر بعضی روزه‌ها تا سال‌ها می‌ماند

کودکان باید بتوانند پاسخ سؤالات خودشان را راجع به حادثه کربلا، از والدینشان دریافت کنند. این که دارند کجا می‌روند، چرا می‌روند و چرا در این مراسم عزای شرکت می‌کنند، می‌تواند آن‌ها را به شدت نسبت به نکات تربیتی این واقعه حساس و ترغیب کند.

کودکان به دلیل این که پاک‌فطری خود را از دست نداده‌اند، می‌توانند به سرعت با ابعاد مختلف و شخصیت‌های متفاوت حادثه کربلا ارتباط درونی برقرار کنند. این که نباید با کسی بد کرد، نباید به کسی ظلم کرد و موجب آزار کسی شد، می‌تواند تا سال‌ها به عنوان یک ذهنیت ثابت در شخصیت کودکان باقی بماند و آن‌ها را نسبت به بسیاری از خطاهامصون کند.

همین که کودکان بتوانند توصیف برخی از

مهربانی‌های امام حسین (ع) را با زبان ساده و کودکانه بشنوند، برای آشنایی و پیوند آن‌ها با این مکتب کافی است. این آشنایی ساده اما سالم، می‌تواند زمینه را برای معرفت عمیق کودکان در سال‌های آتی فراهم کند.

❁ کودکان استدلال را نمی‌فهمند؛ فهمشان فقط تا محبت قدمی دهد

از آن جایی که کودکان نمی‌توانند استدلال‌های پیچیده و مفاهیم انتزاعی را تصور و تخیل کنند، آموزش فلسفه عظیم قیام عاشورا باید متناسب با فهم آن‌ها صورت بگیرد. کودکان زبان محبت‌رامی‌فهمند. می‌توانند از خودگذشتگی، توجه، مهربانی و دوستی را درک کنند؛ از این رو، بیان صحنه‌هایی از محبت امام حسین (ع) نسبت به خواهرش، حضرت زینب (س) و یا توضیح داستان‌هایی که محبت امام حسین (ع) را به فرزندان و یارانشان توصیف می‌کند می‌تواند تا سال‌های نوجوانی هم تأثیر خودش را بر رفتار کودک بگذارد.

❁ اگر والدین عمل کنند، روزه روی کودک اثر می‌کند

والدین بهترین الگوی کودکان هستند. این یعنی کودکان همواره سعی می‌کنند آن‌چه را که می‌شنوند و می‌بینند، ابتدا در والدین خودشان ببینند. پس اگر کودکان میان آن‌چه که از والدین می‌بینند، با آن‌چه که از داستان‌های محرم و در توصیف اخلاق امام حسین (ع) و یارانش می‌شنوند ارتباطی نبینند، به احتمال زیاد نسبت به توصیه‌های اخلاقی بی‌اعتنا خواهند شد.

❁ روزه‌های بد، کودکان افسرده بار می‌آورد

والدین باید در هر شرایط سنی و به فراخور حال کودکان، داستان‌هایی را که از محرم و امام حسین (ع) بیان می‌کنند، برای کودک انتزاعی‌تر و ملموس‌تر کنند. حس خوب و حب نسبت به اهل بیت (ع) می‌تواند آن‌چه را که در دوران کودکی در کودک نهادینه شده است، در سنین نوجوانی به جریان بیاورد. توصیف ماجراهای سنگین کربلا، در سنینی که کودک درکی از آن‌ها ندارد، جز ناراحتی‌های عمیق، چیزی برای او به ارمغان نخواهد آورد.

❁ جمع‌بندی

۱. هدف اصلی تمامی مراسمات سوگواری معصومین (ع)، تربیت اخلاقی والدین و کودکان است. با اندک جست‌وجو و تحقیق می‌توان دریافت که هدف بعثت انبیا نیز همین بوده است. در واقع دین بدون اخلاق، تهی‌مایه و هیچ است؛ چه رسد به مراسم عزاداری.

۲. عزاداری و گریه بر مصیبت‌های وارد شده بر معصومین (ع)، تنها هدف برگزاری مراسمات و جلسات مذهبی نیست؛ این عزاداری‌ها، اهداف بزرگی دارند که برخی از آن‌ها را می‌توان به طور خلاصه این‌گونه توصیف کرد:

تقویت مسائل روحی و روانی، تزکیه نفس، معرفی معصومین (ع) به عنوان الگوی مسلمانان، ایجاد وحدت میان امت مسلمان، معرفی اسلام حقیقی به جهانیان، کسب معنویت و تعلیم معارف دینی و اهداف والای دیگری که اگر مسلمین به آن‌ها توجه کنند، می‌توانند بسیاری از مشکلات را از جامعه اسلامی برطرف کنند.

